

# قرار داد صفر ساعتی در قلب اروپا

کارگران مهاجر با وعده‌های دستمزد بالا وارد هلند می‌شوند، اما با قراردادهای ناپایدار و زندگی نامطمئن روبه‌رو می‌شوند



▲ کارگران مهاجر در هلند با وعده دستمزد بالا وارد، اما با زندگی ناپایدار و سردرگمی مواجه می‌شوند

او می‌گوید: «به من گفتند بیا، ما ۳ هزار یورو به تو می‌دهیم، یک ماشین و یک خانه هم فراهم می‌کنیم. همه ما را همین‌طور فریب دادند.» مثل بسیاری از هموطنانش، او پس از دیدن یک آگهی شغلی آنلاین، به امید زندگی بهتر، راهی هلند شد. اما واقعیت، بسیار متفاوت بود.

در هلند، آژانس‌های کوچک با افراد خصوصی مسئول جذب کارگران بودند. آن‌ها شرایط را به‌صورت شفاهی اعلام می‌کردند، با روی کاغذهایی می‌نوشتند که هیچ ارزش قانونی نداشتند. وقتی قرارداد واقعی امضا می‌شد، همه چیز فرق می‌کرد و همه این اسناد به زبان هلندی بودند، زبانی که بسیاری از مهاجران به آن مسلط نبودند.

در همان سال، گروهی از پژوهشگران اسپانیایی برای نخستین بار سیستمی را مستند کردند که در مراکز بزرگ لجستیکی، مانند بندر روتردام، کارگران ارزان و ناپایدار را به جریان دائمی تبدیل می‌کرد؛ افرادی جایگزین‌پذیر و همیشه در دسترس. این مدل توسط شبکه‌ای از شرکت‌های کارایی موقت پشتیبانی می‌شد که در حاشیه قانون فعالیت می‌کردند؛ قانونی بودن آن در سطح رسمی حفظ می‌شد، اما همیشه در یک منطقه خاکستری حرکت می‌کرد.

آنتونیو می‌گوید: «به محض ورود، تو را به دفترشان می‌برند تا قراردادی امضا کنی. اما این قرارداد معمولی نیست، ساعتی است.» منظور او قراردادهای موسوم به «صفر ساعت» است؛ قراردادهایی که هیچ تضمینی برای ساعات کاری ندارند و بنابراین درآمد ثابت هم ارائه نمی‌دهند. این نوع قرارداد، از سوی پارلمان اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا مورد انتقاد قرار گرفته‌است، اما در هلند و کشورهای دیگر قانونی است.

«پابلو لویز»، جامعه‌شناس اسپانیایی، توضیح می‌دهد: «این قراردادها در ابتدا برای جوانانی طراحی شده که فقط چند ساعت آخر هفته کار کنند. اما حالا این مدل

به‌شدت رواج یافته‌است و شرکت‌ها از حفره‌های قانونی برای تمديد و جابه‌جایی کارگران بین آژانس‌ها استفاده می‌کنند. آنها به‌دنبال فضاهای کنترل نشده هستند تا قانون را به‌صورت رسمی نقض نکنند، اما عملاً آن را هم رعایت نکنند.»

لویز نشان می‌دهد که آژانس‌های موقت هلندی عمداً کارگران بیشتری از نیاز واقعی استخدام می‌کنند و با استفاده از اپلیکیشن‌ها، شیفت‌ها و ساعات کاری را به‌صورت الگوریتمی تعیین می‌کنند. کارگران همیشه منتظرند و هیچ‌گاه نمی‌دانند که هفته بعد چه خواهد شد. به گفته لویز، این بی‌ثباتی تصادفی نیست، بلکه یک استراتژی آگاهانه برای حفظ کارگران همیشه آماده به کار است.

در نتیجه، دستمزدها معمولاً کمتر از وعده اولیه است و شیفت‌ها قابل پیش‌بینی نیستند؛ هفته‌ای ۴۰ ساعت و هفته‌ای حتی نصف آن. هیچ توضیحی داده نمی‌شود و کارگران در بالاتکلیفی دائم هستند. «ماریا لورا»، پژوهشگر حقوق کار، می‌گوید: «این بی‌نظمی، الگوریتم هدفمند است. نیروی کار بی‌ثبات که قراردادش هر هفته بر اساس معیارهای دلخواه تمدید می‌شود، آسیب‌پذیرتر است و کمتر جرات دارد برای حقوق خود تلاش کند. قانونی بودن این روش‌ها در یک منطقه خاکستری است، اما واقعیت این است که حقوق اساسی کارگران را نقض می‌کند؛ آنها را بدون دستمزد، بدون شفافیت و بدون تضمین مرخصی معطل نگه می‌دارد.»

### چالش یافتن مسکن

والرینا، که اوایل ۲۰۲۵ به هلند آمده بود، هنوز هم از تجربه زندگی در خانه‌ی مشترک خاطره دارد. او می‌گوید: «خانه ما قرار بود برای چهار نفر باشد، اما هفت نفر در آن زندگی می‌کردیم، با یک حمام و فقط یک اجاق گاز. اتاق من خیلی کوچک بود و فقط یک کمد فلزی داشت؛ نه حتی کمد لباس واقعی. همه

## ابهام‌زدگی مفرط در بازار کار مهاجران

لایحه‌هایی برای صدور گواهی رسمی به آژانس‌های کارایی وجود دارد، اما تصویب آن‌ها بارها به تعویق افتاده‌است. قراردادهای صفرساعتی نیز تنها محدود شده‌اند و نه ممنوع. با هر اقدام جدید، آژانس‌ها راه‌های تازه‌ای برای دور زدن قوانین پیدا می‌کنند؛ از جمله استخدام ظاهراً خوداشتغال یا بهره‌برداری از قوانین اتحادیه اروپا درباره کارگران اعزامی. بازرسی‌ها به صورت مشترک انجام می‌شوند، اما تحقیق درباره این پرونده‌ها بسیار دشوار است و بهبود قوانین به تنهایی کافی نیست؛ نیاز به بازرسی‌های کارآمدتر و اجرای سختگیرانه‌تر قوانین موجود احساس می‌شود.

این وضعیت در کشوری که اشتغال فوق‌العاده انعطاف‌پذیر به یک هنجار تبدیل شده، یک فوریت واقعی است. در مرکز این مشکلات، کارگری قرار دارد که همیشه منتظر است؛ کارگری که وقتی نیاز است فعال می‌شود و وقتی دیگر نیازی نیست، غیرفعال می‌شود. زندگی او حول محور کار می‌چرخد، بدون امنیت و بدون ثبات، در حالی که سیستم به‌طور روزافزون از جنبه انسانی خالی می‌شود و تنها بهره‌وری و انعطاف‌پذیری را اندازه می‌گیرد.

وسایلم هم در آن جا نمی‌شد.»

این خانه‌ی فرسوده و تنگ، هیچ شباهتی به وعده‌های اقامت راحت در هلند نداشت. اما او بدترین وضعیت را تجربه نکرده بود. برخی کارگران مهاجر سر از کمپ‌ها، خوابگاه‌ها یا حتی پارک‌ها درآورده‌اند؛ مکان‌هایی که تبدیل به اردوگاه‌های موقت شده‌اند و حریم خصوصی در آنها معنا ندارد. ساکنان حتی نمی‌توانند آدرس خود را ثبت کنند، اما هزینه‌ها هر هفته از حقوقشان کم می‌شود؛ اجاره، بیمه درمانی، حمل‌ونقل و دیگر مخارج. والرینا می‌گوید: «پول از من گرفته شد برای چیزهایی که حتی نمی‌دانستم چیست. آخرش هیچ چیزی برایم باقی نماند.»

رافائل، وکیل اسپانیایی در هلند، توضیح می‌دهد که بزرگ‌ترین مشکل زمانی رخ می‌دهد که کارگران شغلشان را از دست می‌دهند. در بخش کارایی موقت، این اتفاق می‌تواند هر لحظه بیفتد. قرارداده‌ا اغلب شامل «بند آژانس» هستند که به کارفرما اجازه می‌دهد بدون اطلاع قبلی یا هیچ توضیحی کارگران را اخراج کند. رافائل می‌گوید: «با یک امضا، نه تنها شغل، بلکه خانه هم از دست می‌رود. یافتن جایگزین تقریباً غیرممکن است و بعضی حتی پول بازگشت به اسپانیا را ندارند. هیچ توضیحی داده نمی‌شود و کارگران مثل نیروی کار یک‌بارمصرف با آنها رفتار می‌شود. خیلی‌ها به دفتر ما می‌آمدند و می‌پرسیدند چه کنند، اما ما چیزی برای ارائه نداشتیم. بعضی از ما حتی از جیب خودمان پول می‌دادیم تا بتوانند به اسپانیا برگردند.»

### این نوعی استثمار است

در سال ۲۰۱۷، پژوهشی که جامعه‌شناسی به نام «پابلو لویز» انجام داد، نشان داد که دست‌کم ۵ هزار اسپانیایی گرفتار سیستم کاری موقت و ناپایدار در هلند شده‌اند. حتی نویسندگان هشدار دادند که رقم واقعی بسیار بیشتر است، زیرا حداقل ۳۰ درصد کارگران مهاجر به دلیل ثبت‌نشدن رسمی، در آمار دیده نمی‌شوند. گستردگی و جدیت وضعیت به اندازه‌ای بود که توجه عمومی را به خود جلب کرد و سکوت رسانه‌ای شکسته شد.

رسانه‌های اسپانیا و هلند شروع به پوشش این موضوع کردند و سیل شکایت‌ها به راه افتاد. در سال ۲۰۱۸، سفارت اسپانیا در هلند ۴۸۷ شکایت فردی و جمعی دریافت کرد. وزارت امور خارجه اسپانیا مجبور شد مجموعه‌ای هشدار در وب‌سایت خود منتشر کند، از جمله توصیه‌هایی مانند «قراردادی را که به زبان اسپانیایی نیست قبول نکنید» و «مطمئن شوید حداقل ۳۵ ساعت در هفته کار می‌کنید، در غیر این صورت درآمد کافی برای زندگی نخواهید داشت.»

شکایت‌ها همچنین به سازمان‌هایی مانند fairwork رسید که از کارگران مهاجر قربانی استثمار در هلند حمایت می‌کنند. «ماریا بروکناس»، رئیس شورای ساکنان اسپانیایی (CRE) در هلند، می‌گوید: «ما این موارد را مصداق استثمار می‌دانیم، اما قوانین هلند محدودکننده‌است. برای اثبات استثمار، سه شرط باید برقرار باشد: کارگر دستمزدی نگیرد یا کمتر از حداقل دریافت کند، شرایط کاری اسفناک باشد و اجبار یا فشار وجود داشته باشد. موارد کمی همه این شرایط را دارند و اثبات اجبار بسیار دشوار است.» او اضافه می‌کند: «این شبیه یک کوه یخ است. آنچه روی سطح می‌بینید آشکار است، اما زیر آن، منطقه خاکستری عظیمی پنهان شده‌است.»

با افزایش شکایت‌ها از کارگران اسپانیایی و دیگر گروه‌های مهاجر و پناهنده، «امیل رومر»، نماینده حزب سوسیالیست در مجلس هلند، تحقیق مستقلی آغاز کرد. یافته‌های او در سال ۲۰۲۰ با عنوان «شهروند درجه دو وجود ندارد» منتشر شد و دولت را به‌خاطر نبود نظارت بر بخش کارایی موقت به‌شدت مورد انتقاد قرار داد. با بیش از ۲۰ هزار آژانس فعال، این بخش عملاً رها شده و بدون شفافیت و پاسخگویی فعالیت می‌کرد.

گزارش رومر مسیر اصلاحات را هموار کرد. کارگران به ثبت‌نام در نهادهای محلی تشویق شدند، سامانه ملی ثبت و نظام گواهی کیفیت برای آژانس‌ها ایجاد شد، کارگران اخراج‌شده حق دارند تا چهار هفته در محل اقامت خود بمانند و حداقل درآمد تضمین شده برای دوماه اول اقامت برقرار شد. منابع سفارت اسپانیا می‌گویند: «کار کمیسیون رومر بسیار ارزشمند بود، مقررات و بازرسی‌ها بهبود یافته، اما هنوز شکایت‌ها ادامه دارد و مشکل کماکان پابرجاست.»

منبع: ال پائیس

# جهان

# اُتی‌نو

# 66

## کارگران مهاجر در هلند اغلب با وعده‌های شغلی و زندگی بهتر فریب داده می‌شوند، اما با قراردادهای ناپایدار، حقوق کمتر از انتظار، کمترین حمایت قانونی دائمی و عدم مواجه‌اند و مجبورند هزینه‌های زندگی و خود تأمین کنند، در حالی که سیستم به‌طور سازمان‌یافته سودآوری از بی‌ثباتی آن‌ها را دنبال می‌کند

## ریسک‌های پرهزینه فناوری نوین

سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه هوش مصنوعی به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. شرکت‌های بزرگ فناوری در آمریکا تنها در سال جاری نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار صرف زیرساخت‌های موردنیاز مدل‌های هوش مصنوعی کرده‌اند و غول‌هایی مانند OPENAI و ANTHROPIC هر چند ماه میلیارد‌ها دلار جذب سرمایه می‌کنند و ارزش ترکیبی آن‌ها به نیم تریلیون دلار نزدیک شده است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد هزینه‌های جهانی مراکز داده تا پایان سال ۲۰۲۸ از ۳ تریلیون دلار فراتر خواهد رفت. با این حال، حتی اگر فناوری به وعده‌های خود عمل کند، بسیاری از سرمایه‌گذاران ممکن است زیان‌های سنگینی متحمل شوند و اگر این موج سرمایه‌گذاری به نتیجه نرسد، آثار آن می‌تواند شدیدتر باشد. هیجان پیرامون هوش مصنوعی عمومی، سیستمی که در بیشتر وظایف شناختی از انسان‌ها بهتر عمل کند، سرمایه‌گذاران را به ریسک‌های بزرگ واداشته‌است.

آن‌ها می‌دانند ممکن است روی مدل اشتباه سرمایه‌گذاری کنند، اما ترس از عقب ماندن، آن‌ها را به ادامه مسیر سوق می‌دهد.

این رقابت شدید، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری کلان در قدرت محاسباتی واداشته و حتی بازیگران جدیدی مانند توسعه‌دهندگان املاک و تولیدکنندگان برق را وارد این میدان کرده‌است.

مسیر پریسک است و تنها تعداد محدودی از شرکت‌ها به سودهای کلان دست خواهند یافت، در حالی که بسیاری دیگر با زیان مواجه می‌شوند.

پیش‌بینی‌ها همچنین حاکی از احتمال توسعه غیرمنتظره فناوری است.

همان‌طور که در قرن نوزدهم جریان متناوب، جریان مستقیم را کنار زد، امروز مدل‌های کوچک‌تر زبانی ممکن است جایگزین مدل‌های عظیم شوند و نیاز به زیرساخت‌های پرهزینه را کاهش دهند.

همچنین، پذیرش گسترده هوش مصنوعی ممکن است کندتر از پیش‌بینی‌ها باشد. مشکلات فنی، کمبود برق و کندی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند سرمایه‌گذاری‌ها را کمرشمر کند و بسیاری از استارت‌آپ‌ها را از گردونه رقابت خارج سازد. در این

سناریو، سرمایه‌گذاران مجبور خواهند بود انتظارات خود را تعدیل کنند و جریان سرمایه کاهش یابد. اگر تب سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی فروکش کند، بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های فعلی بی‌ارزش خواهند شد. برخلاف رونق راه‌آهن یا حباب دات کام که زیرساخت‌ها ماندگار

بودند، بخش عمده هزینه‌های هوش مصنوعی صرف سرورها و تراشه‌هایی شده که در چند سال منسوخ می‌شوند.

با این حال، سیستم مالی فعلی احتمالاً توان تحمل ضربه را دارد. شرکت‌های بزرگ با ترازنامه‌های قوی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی قادر به تحمل زیان هستند. اما ریسک‌ها نیز جدی‌اند؛ هرچه تب گسترده‌تر شود، شرکت‌های بدهکار ممکن است زیر فشار بدهی‌ها آسیب ببینند و اقتصاد آمریکا که هوش مصنوعی ۴۰ درصد رشد تولید ناخالص داخلی آن را رقم زده است، با شوک مواجه شود. افت پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند فرصت‌های شغلی و رشد مراکز داده را کاهش دهد و بازار سهام و اعتماد مصرف‌کنندگان را تحت فشار قرار دهد. رونق هوش مصنوعی می‌تواند فصل تازه‌ای در تاریخ اقتصاد و فناوری بگشاید، اما اگر انتظارات برآورده نشود، پیامدهای اقتصادی و مالی آن گسترده خواهد بود و داستان این شیدایی مالی، چه موفقیت‌آمیز باشد و چه شکست‌خورده، در کتاب‌های تاریخ ثبت خواهد شد.

منبع: اکونومیست